از خودمان شروع می‌کنیم!

■ رضامنتاقی

۱- «مساله اجتماعی امری است که اولا بخش قابل توجهی از جامعه آن را ناخوشایند بدانند، ثانیا معتقد باشند باید برای حل آن کاری کرد و ثالثا بر این باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسؤول برطرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند»[1] طبق این تعریف، شرط لازم برای آنکه یک مساله اجتماعی شکل بگیرد آگاهی بخش قابل توجهی از جامعه از یک وضعیت نامطلوب و سپس مطالبه حل آن است. در صورتی که اختلال یا سوءعملکردی در نهادهای اطلاع‌رسانی و رسانه‌های یک جامعه وجود داشته باشد و افکار عمومی تصویر درستی از وضعیت جامعه خود در دسترس نداشته باشند، هیچ‌گاه مساله اجتماعی به رسمیت شناخته نمی‌شود و به تبع آن اقدامی برای حل آن نیز نمی‌شود. در چنین حالتی، مساله اجتماعی آماس کرده و گسترش می‌یابد تا حدی که دیگر قابل انکار نیست و به ناگاه جامعه خود را با مشکلی روبه‌رو می‌بیند که انگار تا دیروز وجود نداشته است. در کشورمان، این معضل را درباره بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به وضوح مشاهده و ادراک می‌کنیم. مسائلی مانند کارتن‌خوابی، کار کودکان، اعتیاد در مدارس، بحران جنسی، کودک‌آزاری، فروپاشیدگی خانواده‌ها و... هیچ‌گاه مورد توجه قرار نداشتند و مساله دانسته نمی‌شدند تا اینکه به یکباره با آمارهای وحشتناک یا موردهای عجیب و غریب مواجه و ناگزیر شدیم که واقعیت را ببذیریم. به عنوان مثال، درباره حاشیه‌نشینی -که معضلا دیگر آن ماننذ کوخ‌نشینی و زاغه‌نشینی از آمارهای انقلابی‌ها و اهداف انقلاب اسلامی بود- هیچ‌گاه سیمای صحیحی ترسیم نمی‌شد تا اینکه به یکباره آمار ۱۱ میلیونی وزیر کشور در خرداد‌ماه ۹۵ ارائه شد و رحمانی فضلی از توصیه‌های موکد رهبر انقلاب برای برنامه‌ریزی و اقدام به منظور حل این مساله خبر داد. جایگزین کردن رئیس‌جمهور به جای وزیر کشور در سمت ریاست شورای اجتماعی کشور نیز خبر از شدت و عمق آسیب‌های اجتماعی می‌داد؛ آسیب‌هایی که بدرستی درک نشدند تا وقتی که به شکل گسترده دامن‌گیر جامعه شدند.

۲- چرا این اتفاق می‌افتد؟ محصور بودن اطلاعات و مشاهدات آسیب‌ها در میان ماموران نهادهای عمومی و اصحاب رسانه نهادهای عمومی اغلب در انتشار ندادن آمار و اطلاعات آسیب‌ها ذی‌نفع هستند، چرا که آمار بالا یا وضعیت خطرناک مسائل اجتماعی می‌تواند از جزوه مورد فعالیت خود کنند. به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و محدودیت‌هایی که در دو مرحله پر من اولیه آن وارد شد بنگرید. حق تحدیدنظرخواهی سن‌ها سلب شد و در صورتی که ۳ دهای متوالی آنها رد شود تا یک سال از حق اعلام خبر منذرج در ماده فوق‌الذکر محروم می‌شوند.

۳- هر شهروندی در هر جایگاه و با هر نوع تخصصی می‌تواند با اختصاص دادن بخش کمی از وقت خود به یک فعالیت داوطلبانه درون یک سازمان مردم‌نهاد، تحول شگرفی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت ایجاد کند اما باید توجه داشت هر شکل از در نهایت به هدف اصلی یعنی قرار دادن یک جامعه مقابل بخشی از فعالیت‌هایی است که مزایای بالا را برای آن برشمردیم. یک فعالیت ازهم‌گسیخته، بدون پشتوانه علمی و از سر احساسات نه‌تنها این مزایا را در پی ندارد، بلکه می‌تواند موجب تبدیل و تشدید آسیب شود. فعالیت‌های بالا نکاه خیرهای که برنامه‌های برای حل مساله ندارند و صرفا با تامین خوراک و دیگر ملزومات موجب تسهیل شرایط فرد آسیب‌دیده و چه‌بسا حد کردن وی به زندگی با آسیب می‌شوند و امکان تغییر را از وی می‌گیرند، طبیعتا امتیازات بالا را در خود ندارند.

پی‌نوشت:

۱- محمدجواد ناطق‌پور، اطلاع‌رسانی و مسائل اجتماعی، کتاب مسائل اجتماعی ایران، نشر آگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۰

زنگ حساب فعالیت‌های جهادی

■ آرمان رحمانی*

فعالیت‌های اجتماعی در میان اقشار مختلف بویژه دانشجویان طی ۱۰ سال گذشته رونق بیشتری گرفته است. افزایش حرکت‌های خیریه‌ای دانشجویی اعم از کانون‌ها و گروه‌های جهادی به حدی رسیده است که در کارنامه فعالیت دانشجویان می‌توان شرکت در این امور را مشاهده کرد. این فعالیت‌ها در امور پزشکی و درمانی نیز با گسترش قابل ملاحظه‌ای داشته است به نحوی که تشکیل بیش از ۵۰ کانون جهادی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و همکاری دانشگاه‌ها در این حوزه توانسته حجم زیادی از انتظارها برای برگزاری اردوهای جهادی را در میان دانشجویان علوم پزشکی برآورده کند. این انتظار که خواسته‌ای همگانی چه از جانب مسؤولان و چه از سوی دانشجویان است، همان «احساس تافته جدا بافته» نبودن است. برخلاف یکی از مسؤولان بلندپایه که به کنایه تافته جدا بافته بودن را به پزشکان و دانشجویان علوم پزشکی نسبت داده بود، می‌توان گفت این ادعا با برگزاری حجم زیادی از اردوهای جهادی در اقصی نقاط کشور رد شده و باطل است. دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف علوم پزشکی در حال حاضر نقاطی از کشور را تحت پوشش قرار می‌دهند که شاید مقامات استانی هم از وجود آنها بی‌خبر هستند. در واقع کشف و ارائه خدمات به نقاط زیر پوشز کشور یکی از توفیقات فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان بویژه در قالب حرکت‌های جهادی است. برای مثال گروه‌های جهادی در جریان برگزاری اردوهای جهادی سال ۹۵ در عرصه بهداشت و درمان خدمات متنوعی را به مخاطبان خود ارائه کرده و بیش از ۱۲۳ هزار نفر خدمات درمانی دریافت کرده‌اند. الان بـا پایان یک دهه از فعالیت‌های جدی در حوزه خدمت‌رسانی جهادی علوم پزشکی شاید آسیب‌شناسی برای ادامه راه مهم‌ترین رویکرد باشد تا همزمان با آغاز دهه پنجم انقلاب دهه دوم فعالیت‌های اجتماعی بویژه در این حوزه ارزشگذار باشد.

■ **تداخل با سیستم بهداشت**

یکی از مهم‌ترین معضلات، تداخل فعالیت‌های جهادی با سیستم بهداشتی و درمانی بویژه پزشک خانواده است. اکثر مناطق کشور در حال حاضر تحت نظارت این سیستم جامع قرار دارند اما ارائه خدمات جهادی بویژه بدون شناسایی دقیق، تداخل‌های زیادی ایجاد می‌کند. برای مثال بعضا پزشکان خانواده و کادر درمان شبکه‌های بهداشت از این خدمات ناراضی هستند که حق هم دارند چرا که متاسفانه بستر فرهنگی مناسبی برای خدمات علوم پزشکی ایجاد نشده است و مراجعان به سطح‌های مختلف درمانی شبکه بهداشتی انتظار دارند با همان رویه جهادی و رایگان خدمات دریافت کنند. گرچه مبلغ ویزیت یک پزشک خانواده ۵۰۰ تومان است و در واقع این عزیزان هم به نحوی درحال ارائه خدمات درمانی رایگان هستند اما متاسفانه شاهد رفتارهای نامناسب با کادر درمان پس از برگزاری اردوهای جهادی هستیم؛ رامحل برگزاری جلسات هماهنگی با سطوح مختلف شبکه‌های بهداشت و درمانی می‌سازد که فعالیت انجام شد از بلندمدتی را به نیروی فعال خود می‌گذارد که ساختار رسمی آموزش کشور از نهادینه کردن آن ناتوان بوده است. به خدمت گرفتن رایگان وقت و تخصص فعالان در جمعیت‌های مردمی متعهد باعث می‌شود تـا بتوان آن را زمونی کامل از جامعه‌پذیری با نیت احیای حیاتی جمعی و اصلاح اختیاری دانست. تاکید مذهب تشیع بر «امر به معروف و نهی از منکر» به‌عنوان بخشـی از مسؤولیت مسلمان بودن گویای همین پیش‌فرض است که داشتن تعهد جمعی به محیط در سایه وظیفه‌ای نهادینه شده بیش از تصمیماتی که در سـطوح عالی‌تر گرفته می‌شود میدان را برای تغییر و اصلاح تجربه نسـبتا موفق تشـکل‌های دانشـجویی به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال بااثبات‌ترین گروه‌های فعال اجتماعی در پویایی بخشیدن به محیط پیرامونی خود و عبور از «رخوت» ناشـی از محیط رسمی و تخصصی شـده، گواهی روشن بر آن است که این گروه‌ها فراتر از تاثیر مسـتقیم خود بر روند تغییرات و اصلاحات اجتماعی، فرصتی بی‌نظیر در جهت «جامعه‌پذیری» نیروی انسـانی یـک اثر و فرهم می‌آورند. بر این اسـاس شاید بازدهی نهایی یـک اردوی جهادی یا فعالیت محلی با توجه به تعداد انبوه فعالان حاضر در آن قابل قیاس با حرکت‌های رسمی و برنامه‌ریزی شـده دولتی نیز نباشـد اما بخوبی این مسـاله را روشـن می‌سازد که فعالیت انجام شد از بلندمدتی را به نیروی فعال خود می‌گذارد که ساختار رسمی آموزش کشور از نهادینه کردن آن ناتوان بوده اسـت. به خدمت گرفتـن رایگان وقت و تخصص فعالان در جمعیت‌های مردمی متعهد باعث می‌شـود تـا بتوان آن را زمونی کامل از جامعه‌پذیری با نیت احیای حیاتی جمعی و اصلاح اختیاری دانسـت. تاکید مذهب تشـیع بر «امر به معروف و نهی از منکر» به‌عنوان بخشـی از مسـؤولیت مسـلمان بودن گویای همین پیش‌فرض اسـت که داشـتن تعهد جمعی به محیط در سـایه وظیفه‌ای نهادینه شـده بیش از تصمیماتی که در سـطوح عالی‌تر گرفته می‌شـود میدان را برای تغییر و اصلاح جامع‌تری برای فعالیت در حوزه بهداشت و درمان می‌دهد.

■ **موازی کاری به خاطر اختلاف سلیقه**

گلایه نداشتن اعتقاد به کار گروهی همیشـه وجود داشـته و در فعالیت‌های جهادی هم وجود دارد. یعنی گروه‌های جهادی گرچه در جلسـات و همایش‌ها کنار هم هسـتند ولی در برگزاری اردوها و نحوه فعالیـت حسـاس رقابت دارند. برای مثال، کوره‌های آجرپزی حاشیه تهران و محله هرندی در حال حاضر به پاتوق گروه‌های جهادی برای فعالیت تبدیل شده است. بعضا مشاهده می‌شود مراجعان در این مناطق با کیسه‌های دارویـی می‌آیند کـه از گروه‌های جهادی در هفته‌های قبـل دریافت کرده‌اند. این موازی کاری‌ها بعضا به خاطر اختلاف سلیقه‌های خرد حتی در نحوه پوشش نیروهای جهادی اسـت؛ بر اسـاس قول معروف «بدالله مع الجماعه» هرچقدر گروه‌های جهادی به هم نزدیک‌تر شوند یا حتی ادغام شوند، نتیجه بهتری در فعالیت‌ها دیده می‌شود.

■ **اتلاف بودجه و انرژی**

گروه‌های جهادی به پشتوانه نهادهای مختلف و یا حمایت‌های مردمی بودجه‌ای را جهت ارائه خدمات به محرومان مصرف می‌کنند. اختصاصی این بودجه باید علاوه بر شفاف بودن حسابگری هم داشته باشد. صرف اینکه اردوی جهادی برگزار شود و به محرومان و مستضعفان خدماتی ارائه شود هیچ عقل سلیمی را قانع نمی‌کند که بدون حساب و کتاب (فایده - ضرر) مبادرت به این کار کند. به عنوان نمونه بعضی گروه‌های جهادی مسافت‌های طولانی را بعضا با هزینه‌های گزاف متاسفانه حتی سفر با هواپیما متقبل می‌شوند. حال آنکه اگر همین هزینه‌ها در قالب گروه‌های جهادی بومی و کادر درمان حاضر در مناطق محروم انجام شود علاوه بر صرفه‌جویی می‌توان بودجه بیشـتری را خرج زیرساخت‌های درمانی یک منطقه محروم کرد. شاید این مثال که پزشک جهادی خوزستانی را به خراسان جنوبی ببریم و پزشک اهل خراسان را به مناطق محروم خرمشهر ببریم بخوبی اتلاف انرژی را نشان دهد. همان‌طور که در قسـمت موازی‌کاری گفته شـد یکی از دلایل، کم بودن روحیه ایثار گروهی در فعالیت‌های جهادی‌است.

■ **عکس یادگاری و امتیازهای خاص!**

بررسـی ۲۰ سـال گذشـته نشـان می‌دهد هرچقدر میزان امتیازهای خاص و عکس‌های یادگاری در کارهای خالصانه افزایش پیدا کرده، از میزان اثرگذاری مثبت و ماندگار کارها کاسته شده است. به قولی هرچقدر گفتمان شکل کار افزایش پیدا کرده است میزان خلوص با سـرعت بیشـتری کاهش یافته است. در نظر گرفتن امتیازهای خاص برای فعالان جهادی نه‌تنها از همت آنها برای ارائه خدمات خالصانه می‌کاهد، بلکه سیستم جهادی را به سیستم‌های مشابه ادارای تبدیل می‌کند. تفاوت نیروهای جهادی این است که بدون منت‌های دنیوی در قبال ارائه خدمات به فعالیت می‌پردازند؛ حال دادن امتیازهای لکه‌دار کننده جهادی تنها حیثیت کار را محدوش می‌کند. البته حجم رفتارهای مسؤولانی که خروجی سیستم سامانه‌های انگشت‌زدن برای ورود و خروج به محل کار هسـتند نیز در این تغییر رویه موثر اسـت؛ مسؤولانی که متاسفانه صرفا برای عکس یادگاری در جمع نیروهای جهادی حاضر می‌شوند و حتی سعی می‌کنند از کنار آن کت انتخاباتی برای خود بدوزند!

انتقادها و اسـیب‌شناسی‌های فوق به هیچ وجه نافی خدمات گروه‌های اجتماعی و گروه‌های جهادی نیسـت، بلکه می‌خواهد با حذف نقاط ضعف، ارائه خدمات را بهبود بخشـد به نحوی که نتیجه کار بهتر از شرایط کنونی باشد. بدون شک با رفع نقایص می‌توان فعالیت حرکت‌های جهادی را به عنوان یک نمونه بومی ارائه خدمت حتی در سطح بین‌المللی هم ارائه داد.

*دبیر کانون جهادی معاد، دانشگاه علوم پزشکی تهران

بررسی فرصت‌های پیش‌روی نیروهای فعال اجتماعی در جهت نهادینه کردن مسؤولیت اجتماعی

علیه ناراضیتی منفعلانه

صادق فرامرزی: سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) هرچند در سال‌های اخیر به‌عنوان یک پدیده برجسته و مورد بحث با رهامضوع پیگیری و حتی اعلام موضع شـخصیت‌های مشهور سیاسی و اجتماعی واقع شـده‌اند اما کماکان می‌توان آنهـا را به‌عنوان یک ایده اولیه که چندان به ظهور و بروز عینی نرسیده‌اند مورد بحث و کنکاش قرار دارد؛ از همین جهت و سوای عمده موضع‌گیری‌های انجام شده پیرامون‌شـان آنچه قابلیت انکار ندارد نسبت مطلق داشتن آنها با فهم عمومی از مسؤولیت اجتماعی است، به گونه‌ای که عمده آنها حرفه اولیه‌شان را در یک مسؤولیت اجتماعی خورده است و بعدها خود تبدیل به عاملی در جهت هم‌افزایی این مسؤولیت شده‌اند تا در نهایت به هدف اصلی یعنی قرار دادن یک جامعه مقابل بخشی از بحران‌های اجتماعی نزدیک شوند. با چنین تعریفی و فراتر از شکل نهادی سمن‌ها آنچه می‌تواند مورد بحث به‌عنوان سوژه‌ای در جهت تعریف و تبیین چشـم‌اندازهای پیش‌روی جامعه قرار گیرد، ذات «مسؤولیت اجتماعی» و شکل عملیاتی کردن آن است.

مسؤولیت اجتماعی هرچند نهایتا به واحد فرد اجتماعی محدود و به حسـب تفاوت موقعیت و شخصیت به اشکال و مقیاس‌های گوناگون تقسیم می‌شود اما حد نهایی تشنه‌ای از شکل گرفتن یک «ما» در میان «من»های منفرد و تفکیک شـده جامعه گذار کرده اسـت و شاید که تخصصی شدن امور او را از تعریف کردن خـود در قالب واحدهای بگانه دانسـتن روح جمعـی در جامعه تفردیافته تفسیر کنیم. مناسبت کلی حاکم بر جامعه ایران بخوبی گواه آن است که از یک‌سو عدم شکل‌گیری معضلات اجتماعی توسط نهادهای رسمی و دولتی و از سوی دیگر ابهام در چگونگی مواجهه با این معضلات باعث شده تا علاوه بر سستی اجتماع، سرگردانی فعالیت‌های غیردولتی می‌شود. اگر «هاکس وبر» با تعریف چهارگانه کنش‌های فردی بر کنش عقلانی معطوف به هدف، کنش عقلانی معطوف به ارزش، کنش سنتی و کنش عاطفی، بیم آن را می‌داد که غلبه پیدا کردن قفس آهنین بوکراسـی بـر زندگی مدرن، انسـان‌ها را بیش از پیش به سمت زندان تفرد می‌کشاند، متقابل آن نیز باید به آن اندیشید که با از بین رفتن بخش قابل توجهی از نهادهای سنتی و سرکوب عاطفه در جریان زندگی شهری که چیز جز بها دادن به کنش‌های جمعی با نیتی معطوف به سـود دیگران می‌تواند چراغ مسـؤولیت اجتماعی را روشـن نگه دارد؟ پـس در این میان نباید نباید بود کـه اگر گروه‌های اجتماعی که فعالیت خود را در بازلی غیر از منافع اکتسـابی فردی پیش می‌برنـد، مصداقی از زنده نگه داشـتن روح جمعـی در جامعه تفردیافته تفسیر کنیم. مناسبت کلی حاکم بر جامعه ایران بخوبی گواه آن است که از یک‌سو عدم شکل‌گیری معضلات اجتماعی توسط نهادهای رسمی و دولتی و از سوی دیگر ابهام در چگونگی مواجهه با این معضلات باعث شده تا علاوه بر سستی اجتماع، سرگردانی فعالیت‌های غیردولتی می‌شود. اگر «هاکس وبر» با تعریف چهارگانه کنش‌های فردی بر کنش عقلانی معطوف به هدف، کنش عقلانی معطوف به ارزش، کنش سنتی و کنش عاطفی، بیم آن را می‌داد که غلبه پیدا کردن قفس آهنین بوکراسـی بـر زندگی مدرن، انسـان‌ها را بیش از پیش به سمت زندان تفرد می‌کشاند، متقابل آن نیز باید به آن اندیشید که با از بین رفتن بخش قابل توجهی از نهادهای سنتی و سرکوب عاطفه در جریان زندگی شهری که چیز جز بها دادن به کنش‌های جمعی با نیتی معطوف به سـود دیگران می‌تواند چراغ مسـؤولیت اجتماعی را روشـن نگه دارد؟ پـس در این میان نباید نباید بود کـه اگر گروه‌های اجتماعی که فعالیت خود را در بازلی غیر از منافع اکتسـابی فردی پیش می‌برنـد، مصداقی از زنده نگه داشـتن روح جمعـی در جامعه تفردیافته تفسیر کنیم. مناسبت کلی حاکم بر جامعه ایران بخوبی گواه آن است که از یک‌سو عدم شکل‌گیری معضلات اجتماعی توسط نهادهای رسمی و دولتی و از سوی دیگر ابهام در چگونگی مواجهه با این معضلات باعث شده تا علاوه بر سستی اجتماع، سرگردانی

مخبر، رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)

سیاست ما کمـک به سـازمان‌های مردم‌نهـاد، خیریه‌ها و مؤسـساتی اسـت که سال‌هاسـت در این حوزه مشغول به فعالیت هسـتند. رویه هر ساله ما تأمین تجهیزیه برای زوج‌های محروم بوده که امسـال حجم این اقدامات بیشتر شده است. همچنین سعی کردیم با مشـارکت خیریه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های جهادی در فعالیت‌های خیریه حضور پررنگ‌تری داشته باشیم. در همین راسـتا، برای جلب مشارکت بیشتر، اقدام به راه‌اندازی کمپین و پویش مردمی «#اکادو» شـد که مراجعه و مشارکت نهادهای فعال در این حوزه را در پی داشت.

رحمانی فضلی، وزیر کشور

مهم‌ترین نکته مورد توجه رویکرد مناسب برای افزایش مداخلات سازمان‌های مردم‌نهاد در فعالیت‌های حاکمیتی است. در طول یکسـال گذشته از ۶۰۰ طرح و پروژه در همین راستا حمایت شد و نیمی از اعتبارات سازمان اجتماعی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد هزینه شـد. رئیس‌جمهوری، دولت و وزارت کشور به موضوع فعالیت‌ها و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد اعتقاد دارند. همچنین شرایط نسبت به روزهای اول که شروع کردیم بهتر شده است اما تا نقطه مطلوب فاصله داریم همچنین سـمن‌ها باید در مسـیر کار خود را اثبات کنند و رابطه دولت و سمن‌ها باید بر اساس نیازهای جامعه و دغدغه‌ها تعریف شود.

فتاح، رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره)

اگر مردم به میدان آمدند نباید گفت این اقدام را انجام بده یا انجام نده، چرا که سـازمان‌های مردمی خود کار خود را بلد هسـتند و اداری کار نمی‌کنند و داوطلبانه کار می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد اموال خود را برای کمک آوردند اما کمیته امداد از دولت و مردم منابع دریافت و پرداخت می‌کند، لذا چرا نباید اجازه ایفای نقش به سازمان‌های مردم‌نهاد داده شود؟ توسعه خیریه‌ها را نباید محدود کرد. با کارگروه‌های جهادی و انجام کارهای جهادی ایفاگر کار، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. درهای کمیته امداد امام خمینی(ره) به روی گروه‌های جهادی باز اسـت و ما نیز تلاش می‌کنیم در این راه همدوش گروه‌های جهادی باشیم.

قبادی دانا، رئیس سازمان بهزیستی کشور

لازم اسـت موضوع کاهش تصدی‌گری و واگـذاری خدمات از شکل شـعاری خارج شود و در تصمیم‌سـازی، تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد بهره‌مند شویم. هم در مجموعه سـازمان بهزیسـتی و هم در سـازمان‌های مردم نهـاد، نیاز به سـازماندهی، نظارت و ارزیابـی هست. هم باید از خودمان شـروع کنیم و از این امر اسـتقبال کنیم. ما سازوکارهایی را طراحی کردیم که درباره قوانین و مقرراتی که ناظر بر مدیریت بهزیستی می‌شود و از دید سازمان‌های مردم‌نهاد با اشکال روبه‌رو اسـت، این سازمان‌ها ورود کنند، ایراد بگیرند و به انتقادات سازنده خود تغییرات را برای بهبود شرایط ایجاد کنند.

گزارشی از آخرین اقدام گروه جهادی همیاری در کوره‌های آجرپزی شمس‌آباد

پا به پا لبخند برای بچه‌های کوره شمس‌آباد

امیرحسین قاسمی، مدیر گروه همیاری: تلاش کردیم بچه‌ها را توانمند کنیم نه اینکه صرفاً التیام‌بخش باشیم!

میکائیل دیانی: از شـب قبل من را عضـو گروه کردند تا از جزئیات برنامه فردا باخبر شـوم. سـاعت ۱۰ صبح قرار مـا دور میـدان آزادی، از طریق گوگل‌مپ لوکیشـن جا را هم فرسـتاده بودند. صبح سـاعت ۹ سـوار مترو شدم و ایسـتگاه میدان آزادی خارج شـدم و براسـاس همان لوکیشـن قدم‌به‌قدم رفتم تا به نقطه قرار رسـیدم. نقطه لوکیشـن دقیقا زیر بنری قرار داشت که به مناسبت روز پـدر تصویـری از یک پدر و دختر را نقاشـی کرده بود و رویش نوشـته بود: «هر چه دارم از تو دارم پدر» و چقدر به کار این گروه می‌خورد که قرار بود دسـتی پدرانه برای کودکان آجرپزی شـمس‌آباد باشند. سـاعت ۱۰ کم‌کم بچه‌های فعال گروه آمدند و به سـمت کوره‌های آجرپزی شـمس‌آباد حرکت کردیم. در راه با امیرحسـین قاسمی، مدیر گروه همیاری هم‌کلام شدم تا از اتفاقی که قرار است امروز رقم بخورد، بیشتر مطلع شوم.

قاسمی: «ما در پایان هر سال کمپینی را با عنوان #پا_به_پا_لبخند راه می‌اندازیم که برای کودکان این منطقه کفـش نو تهیه می‌کنیم. امروز هم قرار اسـت کفش‌ها را بین بچه‌ها توزیع کنیم. امروز همزمان در ۲ اسـتان تهران و سیسـتان و بلوچسـتان توزیع کفش داریم و در کردسـتان کفش‌های‌مان رسـیده به مریـوان و قـرار کارش انجام می‌شود. در سیسـتان و بلوچسـتان هم شناسایی مناطق سنی‌نشین‌مان تمام شده و امروز اسـتا توزیع کفش داریم و کار شناسایی مناطق شیعه‌نشین‌مان در حال انجام است کـه تا قبل از عید کفش‌های آنجـا نیز خریداری و توزیع می‌شـود. اینجا امروز ۲۱۳ کفش به بچه‌های شمس‌آباد می‌دهیم، البته ما خدمات حمایتی دیگری هم داریم. مثلا در ماه رمضان اینجا بسـته آذوقه می‌دهیم. مهرماه لباس، لوازم‌التحریر و کفش می‌دهیم. اگر کسـی مریض شـود خدمات پزشـکی‌اش را انجام می‌دهیـم. ولی امروز بحث اصلی‌مان همین #پا_به_پا_لبخند است».

■ **اصل همیاری را از کی راه انداختید؟!**

همیاری را از سـال ۹۳ اسـتارت زدیـم. من کارمند شـهرداری هسـتم و خیلی سـال اسـت با آسـیب‌های اجتماعـی درگیـرم؛ بـه کمک آقـای صابرپـان و خانم ضیابخش - که مسـؤول روابط عمومی گروه اسـت - حلقه اولیه را تشکیل دادیم؛ اولش یا میوه شـروع کردیم، ما سه نفر هر کدام ۶۰هزار تومان گذاشـتیم، میوه آوردیم توزیع کردیـم و بعد برای کارتن‌خوابها غـذا می‌آوردیم، یعنی ابتـدا صرفا کارهای حمایتی می‌کردیـم. بعد دیدیم باید یک کار اساسی کرد که افراد آینده روشنی داشته باشند، بنابرایـن این گروه را طراحی کردیم و سـراغ این منطقه آمدیم. مـا آمدیم فرهنگ اینجا را تغییـر دهیم! اوایلش هم خیلی سـخت بود که با مردم اینجا کار کنیم، فرآیند اعتمادسـازی و اینکه ما را بپذیرند خیلی طول کشید اما کم‌کم توانستیم با هم کار را جلو ببریم.

■ **چرا کوره‌ها؟**

کوره‌ها پیشنهاد من بود، چون به آن حس داشتم. پدر من در کوره زندگی می‌کرد و از ۷ سالگی در کوره آجرپزی کار می‌کرد اما کم‌کم توانسـت درس بخواند، دانشگاه برود، اسـتاد دانشگاه شود و شرایط خانواده‌اش را هم تغییر دهد. پدرم در این محیط بود که توانست توانمند شود و من هم به بچه‌ها پیشنهاد دادم که اگر بتوانیم بچه‌های این مناطق را توانمند کنیم خیلی خوب می‌شود.

■ **اعضا را از کجا جذب کردید؟**

تقریبا ۹۰درصد این اعضای مرتبط با همیاری از طریق فضای مجازی خاصه اینسـتاگرام جذب شـدند که حالا چیـزی حدود ۲۰۰۰نفر حامی مالـی و بیش از ۱۰۰ نفر فعال میدانی داریم و در تهران، سیسـتان و بلوچسـتان و کردسـتان خدمات‌رسانی می‌کنیم.

■ **خبا اینجا چه کارهایی می‌کنید؟**

ماشین رسـیده بود به مقصد و امیرحسـین گفت بگذار یک سـامانی به بچه‌ها بدهیم و بعد دوباره محبت کنیم.

عکس: مریم علائی

عکس: مریم دادفر

عکس: اسماء سادات حسینی‌نژاد

مسـؤول کارگروه آموزشی همیاری اسـت. با دسـت او را زیر نظر ایشان کار روانشناسـی بالینی و درمانی را انجام می‌دهیم. بخشـی از کار ما آموزش‌های عمومی سـلامت روان اسـت که بـرای همه کلاس‌هایش را برگـزار و در کنار آن غربالگری می‌کنیم. یکـری تسـت‌ها و آزمایش‌ها هم انجـام می‌دهیم که اگر کسـی بـه روان‌درمانی نیاز داشـته باشد مشخص شـود. ما تقریبا هر دو هفته یکبار اینجا کلاس‌های روانشناسـی را داریم و بخشی دیگر هم جلسـات تصمیم‌گیری اسـت که در تهران برگزار می‌شود. همه بچه‌های اینجا در کلاس‌های روانشناسـی عمومی‌مان شـرکت می‌کنند و حـدود ۴۰ نفـر از آنها هـم پس از غربالگری و تسـت مشـخص شد نیاز به دوره روان‌درمانی دارند که الان تحت درمانند».

دهنوی دربـاره فعالیت‌های آموزشـی گروه پرسـتو سـیف گفت: سیف فارغ‌التحصیل کامپیوتر و قبول کارگروه آموزشی همیاری است. با دست او را کوره اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم را همین طور طی کردیم؛ یک طرف صحنه شـادی بچه‌ها بود و یک طرف گریه تا‌وردهای همیاری. یکی از آنها می‌گفت: من تازه با این گروه آشـنا شـدم، نمی‌دانستم واقعا وضعیت اینجا اینقدر دردناک اسـت، تحمل دیدن ایـن بچه‌ها را ندارم. گریه‌اش بند نمی‌آمد و خانم ضیابخش او را داخل ماشین برد تا بچه‌ها اشک‌هایش را نبینند.

به قرارگاه همیاری برگشـتیم. سراغ مسؤول کارگروه روانشناسی رفتم تا ببینم در اینجا چه کار می‌کنند. ماداتا دهنوی در این باره می‌گوید: «من چون خودم روانشناسی خوانده‌ام، پیشـنهاد دادم که اینجا یک تیم روانشناسـی هم تشـکیل شـود تا بتواند درباره سلامت روان بچه‌های اینجـا کار کند. با توجـه به اینکه ایـن مناطق به لحاظ روانی جزو مناطق پرخطر نیز به حسـاب می‌آید. با آقای دکتر «عتماد» صحبت کردیم و ایشـان مسؤولیت کار را در کردسـتان است که تاکنون هم عدد خوبی را جمع کرده است». بچه‌ها به افتخار شکیبا دست می‌زنند.

قاسـمی بچه‌ها را به ۳ تیم تقسـیم می‌کند تا به کار توزیع کفش‌ها بپردازند، همراه هر تیم هم یکی از بچه‌های محلی که قبلا مددجوی گروه بودند و حالا مددکار شده‌اند حضور دارند. من هم با گروهی که سرتیم آنها خانم پرسا برد تا بچه‌ها اشک‌هایش را نبینند.

با اینجا در حوزه‌های آموزش تحصیلی و کمک‌درسـی و آموزش هنری و کلاس‌های ورزشـی، کمک‌درسـی دندانپزشکی و روانشناسـی، خدمات حمایتی مثل البسـه، کفش و مواد خوراکی و تفریحات و اردو مثل سینما و تئاتر کار می‌کنیم. تلاش کردیم بچه‌ها را توانمند کنیم. مثلا همین علی که با تیم ما آمده [اشـاره‌اش به پسری ۱۸،۱۷ ساله بود] و از بچه‌های خود کوره بود که ما به او می‌گوییم محمدامین، از بچه‌هایی بود که ۴ سال پیش جزو نخستین مددجوهای ما بود اما حالا دست راست ما در این منطقه اسـت و خودش جزو مددکاران به حساب می‌آید. ما تلاش می‌کنیم اینجا مددجو را مددکار کنیم؛ اینها خودشان درد کشیده‌اند و بیشتر هم زحمت می‌کشند.

هزینه‌ها از کجا تامین می‌شود؟

تمام هزینه‌های مـا را مردم تامین می‌کنند، از طریق کانال تلگرامی و صفحه اینسـتاگرام، فراخوان می‌دهیم و جـذب پول می‌کنیم و البته مشـل همین کاری که آقای قاسـمی صبح انجام داد، دقیق گـزارش مالی و عملکرد می‌دهیم.

به نخسـتین کوره می‌رسـیم. علی از ماشـین پیاده می‌شـود، جعبه کفش را بر مـی‌دارد، بچه‌های قد و نیم قد صف کشـیده‌اند، یکی یکی کفش‌ها را برمی‌دارد، اسـم‌ها روی کفش‌ها نوشـته شده اسـت، آن را می‌خواند و بچه‌ها با ذوق و شوق کفش‌های‌شان را می‌گیرند و با خوشحالی آجرپزی ردیف شده است می‌دوند.